

مصاحبه‌شونده: بهزاد عطایی آشتیانی

مصاحبه‌کننده: علیرضا طیبی رهنی، مهندس سعید میناپور

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۳/۳۱

دانشکده: مهندسی عمران

سال ورود: ۱۳۷۶

### برای شروع لطفاً یک بیوگرافی از خودتان بفرمایید.

در سال ۱۳۴۴ در تهران به دنیا آمدم. دوره‌ی دبستان را در تهران گذراندم. دوره‌ی راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه‌ی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان که قبل از انقلاب تأسیس شده بود تحصیل کردم. در سال تأسیس ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان برگزیده کلاس پنجم دبستان در سطح تهران را جذب کردند، این کار در ۳ دوره متوالی قبل از انقلاب انجام شد و بعد از چند سالی توقف در گرفتن دانش‌آموزان جدید، بعد از انقلاب مجدداً این کار شروع شد. در حال حاضر قسمت دخترانه این مدرسه به نام فرزندگان است و قسمت پسرانه این مدرسه علامه حلی نامیده می‌شود. بعد در کنکور شرکت کردم و اولین رشته انتخابی من مهندسی عمران بود. در تابستان سال ۱۳۶۲ در کنکور شرکت کردم و به علت طولانی‌شدن مراحل گزینش در بهمن‌ماه سر کلاس‌های درس حاضر شدیم و ما دومین دوره بعد از انقلاب بودیم که وارد دانشگاه شدیم. در بدو شروع، دانشکده عمران دستخوش یک سری تحولاتی شد و موضوع از این قرار بود که قبل از انقلاب دانشکده مهندسی عمران به نام دانشکده سازه نامیده می‌شد و محل آن در کنار بهداری فعلی بود و از این نظر که دانشکده‌ی سازه خیلی تخصصی بود، تصمیم گرفته شد که این دانشکده به مهندسی عمران تغییر یابد. لیسانس را ۴ ساله گرفتم و جزو دانشجویان ممتاز آن دوره بودم. کنکور کارشناسی ارشد را که دادیم در رشته سازه‌های هیدرولیکی شرکت کردم که در کنکور سال ۱۳۶۷ نفر اول شدم و فوق لیسانس را هم در این‌جا گرفتم، با رتبه اول در فوق لیسانس در سال ۱۳۶۹ فارغ‌التحصیل شدم. از سال ۱۳۶۵ در رابطه با رشته‌ام در یک مرکز تحقیقات طراحی سازه هواپیما کار می‌کردم و شاید بتوانم بگویم که اولین گروهی بودیم که این کار را انجام می‌دادیم و یک مجموعه از دانشجویان دانشگاه شریف بودیم. این مجموعه در حال حاضر به یک شرکت طراحی و تولید هواپیما در ایران به نام پرآور پارس و مجموعه هوایی سپهر تبدیل شده است. این کار را من ادامه دادم تا وقتی که برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به خارج رفته و در عین حال زمانی که فوق لیسانس تمام شد در دانشکده عمران درس هیدرولیک را تدریس می‌کردم. در سال ۱۳۷۲ برای دکتری رفتم به کشور استرالیا، دانشگاه کوینزلند. زمینه‌ای را هم که در آن‌جا کار کردم در واقع عمدتاً مسأله دینامیک جریان و انتقال جرم در محل تماس دریا و ساحل بود که منجر به توسعه مدل آزمایشگاهی و یک

مدل عددی شد. وقتی دکترایم را گرفتم در سال ۱۳۷۷-۱۳۷۶ به ایران برگشتم. بعد از آمدنم به ایران به استخدام دانشگاه درآمدم، یک نیمسال دانشگاه بودم و بعد از آن برای یک دوره فوق (پسا) دکتری به کشور هلند رفتم. حدود ۱/۵ سال در آنجا مشغول بودم و در زمینه جریان‌های دو فازه کار می‌کردم و بعد به مدت ۲/۵ سال با یک مرکز تحقیقاتی معروف در زمینه کارهای علوم زمین و ژئوتکنیک کار کردم. البته آن ۲/۵ سال طوری بود که من به ایران هم سفر می‌کردم و در دانشگاه درس هم می‌دادم؛ به هر حال در فواصل ترم‌ها و تابستان‌ها در آنجا فعالیت می‌کردم. از آن موقع هم در دانشگاه مشغول به کار هستم.

### **امکانات فیزیکی در آن موقع (انقلاب فرهنگی) در دانشگاه چگونه بود؟**

خیلی مطالب قابل توجهی وجود دارد که بعضی مواقع من خودم به آن‌ها فکر می‌کنم. به طور طبیعی بچه‌های جوان و دانشجویان حال حاضر در کل کشور بیشتر مسایل را با دید انتقادی نگاه می‌کنند. مثلاً به کمبود امکانات انتقاد دارند، البته این شرایط مختص دانشگاه شریف نیست و در کل کشور این مسأله وجود دارد؛ ولی به طور کلی باید بگویم که وقتی من با دوستان هم صحبت می‌کنم، واقعاً به طور قابل ملاحظه‌ای وضع تغییر پیدا کرده است، به طور مثال ساختمان الآن دانشکده را با ساختمان قبلی مقایسه بکنید می‌فهمید که چطور امکانات بیشتر شده است. این امکانات شامل فضای فیزیکی، آزمایشگاهی و سایت‌های کامپیوتری می‌باشد. یک مثال که همیشه در ذهن من هست این است که وقتی ما دانشگاه آمدم و در سال دوم رسیدیم به درس برنامه‌نویسی کامپیوتر، آن موقع ما کاری که انجام می‌دادیم این بود که از سیستم کارتی استفاده می‌کردیم و برنامه‌ای را که می‌نوشتیم می‌رفتیم روی کارت‌هایی پانچ می‌کردیم؛ برای این کار از همه دانشکده‌ها می‌آمدند و خیلی شلوغ می‌شد. نکته جالب این که کارت محدود بود و شرایط خاصی موجود بود و در کشور امکانات محدود بود. ما کارت‌هایمان را به مرکز محاسبات می‌دادیم و آن‌ها می‌دادند به کامپیوتر مرکزی و برنامه را باز می‌کردند. حالا آن موقع می‌دیدید که به طور مثال موقع تایپ شما به اشتباه یک صفر را حرف 0 لاتین تایپ کرده‌اید و همه این فرآیند را باید دوباره از اول شروع می‌کردید و بعضی مواقع برق می‌رفت و مشکلاتی از این قبیل. در سال بعد از آن درس محاسبات عددی را ما با دکتر مهری گرفتیم که الآن در دانشکده ریاضی مشغول به کار هستند. درس محاسبات عددی را ما با کامپیوترهای NCR کار می‌کردیم. وقتی که لیسانس گرفتیم، اوایل زمانی بود که PC در ایران آمده بود و اولین سیستمی هم که وارد ایران شد XT بود. یک نکته دیگر این که وقتی ما دانشجو بودیم این‌جا جمع زیادی از اساتید که الآن هم بعضی‌هایشان هستند خوب زحمت می‌کشیدند و واحدهای خوبی را ارائه می‌کردند، ولی الآن در همین دانشکده ما که یک جمع ۳۸ نفره از اساتید هستیم، همه به ویژه در قسمت تحصیلات تکمیلی خیلی واحدهای متنوعی ارائه می‌کنند، یعنی ما در همین گروه مهندسی آب و محیط زیست خودمان در خیلی از دانشگاه‌های دنیا که نگاه می‌کنیم یک دانشگاه در یک زمینه خاصی واحد ارائه می‌کند. ما این‌جا خوشبختانه

یک مجموعه هیأت علمی با تخصص‌های متنوعی داریم که دروس را ارائه می‌کنند و من فکر می‌کنم تمام دروس با استانداردهای کامل بین‌المللی ارائه می‌شود و به هر حال خیلی تغییر کرده است.

## **دانشگاه صنعتی شریف در سطح علمی حرف اول را می‌زند، به نظر شما چه عواملی باعث این پیشتازی شده است؟**

در این نظر که دانشگاه ممتاز است چه در ایران و چه در کشورهای اطراف ایران هیچ شکی نیست؛ به اعتقاد من در بسیاری از زمینه‌ها در سطح بین‌المللی هم موقعیت شاخصی دارد. اگر شاخصه‌هایی را که دانشگاه‌ها با آن‌ها رتبه‌بندی می‌شوند در نظر بگیریم ما در بعضی زمینه‌ها ضعف داریم که اتفاقاً در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی ممکن است رتبه بالا را نیاوریم، ولی در خیلی از زمینه‌ها جزو جاهای خاص هستیم و به نظر من در دانشگاه نقاط قوت زیادی داریم. یک قسمت عمده‌اش دلیل روشنی دارد و آن این که در کشور استعداد‌های خیلی خوبی داریم؛ وقتی این استعدادها خیلی به دقت انتخاب می‌شوند و درصد خیلی کمی که استعداد‌های خوبی دارند از کنکور عبور می‌کنند، می‌آیند در این دانشگاه و این بچه‌ها خیلی باهوش و بااستعداد و علاقه‌مند هستند و به این ترتیب یکی از دلایل موفقیت و نقاط قوت دانشگاه همین هست. در کنار این‌ها به نظر من این هم هست که اساتید خوبی در دانشگاه داریم، در همین گروه ما و در دانشکده عمران، درخواست‌های متعددی برای استخدام می‌آید ولی با توجه به ملاحظاتی که داریم تقریباً روی خیلی از موارد دقت کافی می‌شود، مثلاً سوابق تحقیقاتی فرد چه جوری هست و بعضاً دقت می‌کنیم چه جور دانشجویی در مقاطع تحصیلی بوده است و با تمام این سخت‌گیری‌ها باید بگویم هیأت علمی خوبی در این دانشکده و سایر دانشکده‌های دانشگاه داریم. در حال حاضر تعدادی از اعضای هیأت علمی ما در واقع همان فارغ‌التحصیلان رتبه‌های اول همین دانشکده هستند، برای مثال از مجموعه دانشجویانی که در سال ۱۳۶۲ وارد دانشگاه شدیم یکی از دوستان مان آقای دکتر قناد هستند که ایشان رتبه اول کنکور ورودی سال ۱۳۶۲ هستند و الآن هیأت علمی دانشکده خودمان هستند و در دوره‌ی قبلی ما آقای دکتر جمالی بودند که از دانشجویان ممتاز بودند و در حال حاضر از حضور ایشان در دانشکده استفاده می‌شود؛ به همین ترتیب عزیزانی مانند دکتر استکانچی، دکتر قائمیان و سایرین.

## **به نظر شما دانشجویان زمان شما با دانشجویان الآن فرقی کرده‌اند؟**

تغییر فرهنگی در جامعه صورت گرفته است که دانشجویانی متأثر از این تغییر هستند و خب این یک تغییر طبیعی است. حالا همه چیز عوض شده و شرایط فکر کردن عوض شده است. یک فاصله‌ای در دیدگاه‌ها و آن چیزهایی که ما به عنوان استاندارد رفتاری در نظر گرفته بودیم با آن چیزی که الآن بچه‌ها به عنوان استاندارد رفتاری درست در نظر می‌گیرند وجود دارد. یعنی بین آن چیزهایی که در ذهن من به عنوان استاندارد وجود داشت با آن چیزی که الآن وجود دارد فاصله‌ای افتاده است. بچه‌ها از نظر استعداد بچه‌های

خوبی هستند، ولی از لحاظ مسائل پایه‌های رفتاری و اجتماعی به نظر من یک ضعف‌هایی دارند و این را که عرض می‌کنم شاید یک قسمتش طبیعی باشد؛ شاید من از دیدگاه استاندارد خودم نگاه می‌کنم و این را غیر قابل هضم می‌دانم.

### **با هم دوره‌ای هایتان ارتباط دارید یا خیر؟**

با بسیاری از هم دوره‌ای‌هایم ارتباط کاری داریم و تعدادی از آنها در دانشکده هستند و عده‌ای دیگر عضو هیأت علمی دانشگاه‌های دیگر هستند و بیرون در ارتباط‌های کاری با هم هستیم. بعلاوه هر از چندی با هم ملاقات‌های گروهی داریم.

### **در کارهای فوق برنامه شرکت می‌کردید یا نه؟**

کارهای فوق برنامه به این گستردگی نبود و در حد محدودی بود که در بعضی از موارد شرکت داشتم.